

آشنایی با میراث مباحث سیاسی در آثار علامه مجلسی (1)

ابوالفضل سلطان محمدی

مقدمه:

علامه محمد باقر مجلسی (1110 - 1037 هـ.ق) فرزند مولا محمد تقی مجلسی، از علمای مشهور و نامدار دوره پایانی عهد صفوی است. به اعتقاد بسیاری از دانشمندان شیعی و غیر شیعی، وی مروج مذهب امامیه در سده یازدهم هجری در ایران بوده، و از نخستین کسانی است که به ترجمه و نشر احادیث ائمه اطهار (ع) به زبان فارسی در ایران همت گماشت.

این در حالی است که در آن دوران علمای برجسته، فارسی نویسی با نثر ساده و دور از تکلف و تصنع را فروتر از شایان و مقام علمی خود می دانستند. آثار انبوه و پر حجم او، اعم از تالیفات فارسی و عربی، در موضوعات گوناگون مانند: تاریخ معصومین (ع) عقاید، ادعیه، اخلاق و آداب و سنن، از زمان تالیف آن ها، مورد توجه و استفاده خواص و نیز عموم مردم بوده است.

اثر پر ارج وی ((بحارالانوار)) در شمار مهم ترین کتب اربعه متأخره قرار دارد. (2) نفوذ و تاثیر او در سلاطین صفوی، معرف جایگاه بلند سیاسی اجتماعی او در عهد صفوی است.

برخی از نویسندگان، او را به دلیل تلاش فراوان و طاقت فرسایش، در ترویج مذهب تشیع و دفاع از عقاید امامیه، عالمی متعصب به شمار آورده اند، و بعضی از دیدگاه های علمی او درباره فلسفه و تصوف، و نیز عملکرد سیاسی اجتماعی او از قبیل ستیز با صوفیان و فلاسفه، و همچنین همکاری وی با سلاطین صفوی را مورد انتقاد قرار داده اند. ولی در برابر این گروه اندک از منتقدان، شمار زیادی از دانشمندان شیعی او را با القاب و اوصاف اغراق آمیز ستوده، و موضع رفتارهای سیاسی اجتماعی اش را منطبق با شرایط و مقتضیات زمان و مثبت ارزیابی کرده اند. در خصوص زندگی علمی و سیاسی این محدث بزرگ، در فرصتی دیگر، در بیان اندیشه سیاسی وی، اشاراتی خواهیم داشت.

در این مقال کوتاه، نگاهی اجمالی خواهیم داشت به مباحث سیاسی در آثار علامه مجلسی و موضوعات مطرح شده در کتب و رسائل ایشان در باب سیاست. امید است این تلاش ناچیز و دست مایه اندک، مورد استفاده دانش پژوهان گرامی واقع گردد و گامی هر چند کوچک در جهت آشنایی با تفکر و اندیشه سیاسی این محدث ارجمند و بزرگ مرد علم

و دین باشد.

کتابشناسی سیاسی آثار علامه مجلسی:

علامه مجلسی از راه شناخت نیازهای علمی و فکری مردم زمان خود، به تغذیه روحی و فکری جامعه مبادرت ورزیده و با الهام از مکتب ائمه (ع) در زمینه های گوناگون، به تألیف و تصنیف کتب و رسائل برای طبقات مختلف جامعه از خواص و عوام پرداخت. و بالطبع در این میان، از نصیحت ملوک و ارشاد و هدایت حکام زمان خود نیز غافل نبود. تألیف رساله ای مستقل در باب شرح وظایف حاکم اسلامی، به اضافه مطالب آموزنده و ارزنده ای که در باب سیاست و رهبری و مدیریت سیاسی جامعه در تألیفات دیگر خود آورده است، نشان گر حس مسوولیت و همت بلند این بزرگ مرد در هدایت حکام و متولیان امور جامعه است.

پس از مطالعه و بررسی مجموعه آثار و تألیفات علامه مجلسی از بعد سیاسی، به معرفی جایگاه این مباحث در نوشته های ایشان به طور اجمال اشاره می شود. البته با عنایت به مسلك اخباری علامه مجلسی، این معنا روشن است که تکیه گاه وی در مسائل و موضوعات سیاسی، بر مفاد آیات و مضامین روایات ائمه معصومین (ع) استوار است؛ لذا وی از بررسی و تحلیل مسائل سیاسی در شکل نظری و در چارچوب استدلال عقلی احتراز نموده است؛ زیرا از نظر او، عقل بشری به تنهایی از درک مصالح و مفاسد امور عاجز بوده و بدون کمک و راهنمایی شرع، قادر به تأمین سعادت فرد و جامعه نیست و همین نکته، منشأ آن شده است که ایشان، تمام مباحث و معارف دینی از جمله سیاست را از زبان وحی و اهل وحی بیان کند. از میان انبوه آثار علامه مجلسی، مهم ترین و تنها نوشته ایشان در باب سیاست همان رساله ((آداب سلوک حاکم با رعیت)) است که ترجمه عهدنامه علی(ع) به مالک اشتر، به همراه سه حدیث دیگر است. مجلسی به غیر از این رساله، اثر مستقل دیگری در این خصوص ارائه نکرده است. البته نکته ای که در این جا نباید از آن غفلت نمود، این است که کتاب شناسی سیاسی مجلسی از يك ویژگی خاصی برخوردار بوده و آن این که با توجه به مسلك فقهی و روش علمی و فکری ایشان، از طریق کتاب شناسی سیاسی این دانشمندان، علاوه بر آشنایی با آرا و اندیشه های سیاسی وی به منابع عظیم روایی او در مباحث سیاسی نیز می توان دست یافت؛ بویژه کتاب بحارالانوار که در بردارنده حجم زیادی از احادیث شیعه است. در این گفتار بر اساس مطالعه و بررسی تفصیلی که از آثار ایشان به عمل آمده، اجمالا به منابعی که در آن ها بحث های سیاسی عنوان شده است، اشاره می کنیم.

رساله آداب سلوک حاکم با رعیت:

یکی از تالیفات علامه مجلسی که در آن فقط از مباحث و مسائل سیاسی سخن گفته شده، ترجمه عهد نامه مالک اشتر است. این رساله که با عنوان ((آداب سلوک حاکم با رعیت)) نگارش یافته، با توجه به مسلک اخباری مولف، به نظر می رسد که مهم ترین اثر سیاسی وی در بین آثار متعدد و متنوع ایشان باشد(3)

مجلسی در معرفی این رساله و انگیزه تالیف آن می گوید: ((این رساله ای است در ترجمه بعضی از احادیث شریفه که در کیفیت سلوک ولات عدل با کافه عباد که ودایع رب الاربابند وارده شده. برای تنبیه ارباب غفلت و اصلاح اصحاب دولت که هم گنان منوط به صلاح ایشان است، و فساد ایشان، مورث اخلاص نظام بنی نوع انسان که زیده مکنونات و اشرف مخلوقاتند. (4)

رساله فوق در دو فصل تدوین یافته است؛ فصل نخست، در ترجمه عهد نامه مالک اشتر است: در عهدنامه مذکور وظایف مهم حاکم اسلامی در زمینه های مسائل عبادی، اخلاقی و سیاسی و اقتصادی، مانند کیفیت انتخاب کارگزاران، قضا، فرماندهان نظامی و اهتمام به عمران و آبادانی، کیفیت جمع آوری خراج و نحوه مصرف آن و نیز مطالب و نکات مهمی درباره کشورداری و اداره جامعه آمده است. (5)

فصل دوم این رساله، در ترجمه سه حدیث دیگر است که با عهدنامه مالک وحدت عنوان و وحدت موضوع دارند.

حدیث اول:

نامه علی(ع) به عثمان ابن حنیف، والی آن حضرت در بصره است. علی(ع) این نامه را بعد از اطلاع از حضور عثمان ابن حنیف در میهمانی یکی از اشراف بصره، در نكوهش وی نوشته است. امیرالمومنین (ع)، والی خود را به پیروی از سیره و ساده زیستی خود و تمسك به تقوا فراخوانده، و او را به یاری و دستگیری مستمندان جامعه ترغیب می کند. در این حدیث، علی(ع) ضمن مذمت دنیا و دنیاطلبی، بخش هایی از سیره و زندگی و ساده زیستی خود را در دوران حکومتش بیان کرده است. این حدیث در نهج البلاغه فیض الاسلام، صص 965 - 976 نامه شماره 45 آمده است و در بحارالانوار، ج 33، حدیث 686، ص 473 نیز نقل شده است.

حدیث دوم:

که مجلسی آن را معتبر می داند، نامه امام صادق (ع) به عبدالله نجاشی والی اهواز است از طرف منصور دوانیقی به این سمت گماره شده است. نجاشی که از شیعیان امام صادق(ع) است، ضمن نامه ای به امام، خبر از ابتلاش به ولایت اهواز می دهد و از حضرت تقاضای ارشاد و راهنمایی می کند. امام صادق(ع) در پاسخ وی ضمن ابراز خرسندی و تأسف از این امر - خرسندی از آن جهت که ((شاید به آب لطف او، آتش جور مخالفان را از آل محمد ((شیعیان)) خاموش بگرداند)) و

نگرانی از این جهت که مبدا بر مومنی از آل محمد سخت بگیرد و به واسطه این سخت گیری، بهشت را بر خود حرام گرداند - نصابیح و رهنمودهایی را که درباره مدارا و مردم داری به وی ارائه می کند و راه خلاصی او را از مقایسه این شغل؛ ((یعنی قبول ولایت از طرف حاکم جور))، رفتار به عدل و داد و اجتناب از ظلم و ستم نسبت به مردم و شیعیان می داند و به وی توصیه می فرماید که از حیف و میل و استفادۀ شخصی از بیت المال، زراندوزی، ترساندن بی مورد مومنان و تجسس از لغزش ها، و عیوب خصوصی مردم اجتناب نموده و نسبت به مستضعفان و دادرسی مظلومان و رعایت ورع و تقوا اهتمام ورزد. این حدیث، در جلد 75 بحارالانوار، صص 366360 ذکر شده است.

حدیث سوم:

نصابیح مردی است به منصور دوانیقی که در ایام حج و در حال طواف، با او سخن گفته است. به گمان راوی، این مرد، حضرت خضر بوده است که در آن جا ظاهر شده بود. حضرت خضر در این گفت و گو، از گسترش ظلم و جور و قتل و آدم کشی توسط منصور دوانیقی انتقاد و شکایت کرده و برای تنبیه و بیدار ساختن منصور، وی را با پادشاه مشرک کشور چین که با وجود مشرک بودن؛ رعایت حال بت پرستان را می کرد، مقایسه کرد. و منصور دوانیقی را با این که حاکم مسلمان بود به دلیل این که ظلم و ستم بر مسلمین روا می داشت، سرزنش نموده است.

همچنین او را سفارش کرده که با دانایان و هادیان و علما مشورت نماید و علت گریزان بودن علما از او را، ترس آنها از جور و بدی اعمال منصور می داند و راه نجاتش را منوط به اتخاذ سیاست مردم داری و رفتار به عدالت و دادرسی مظلومان و کاستن از تعداد حاجبان خود بیان نموده است. این حدیث نیز در بحارالانوار ج 72، صص 351 - 352 حدیث 60 آمده است. در خصوص برداشت هایی که از این احادیث می شود، و نیز آنچه از مقدمه و خاتمه این رساله استنباط می شود، در فصل های آینده سخن خواهیم گفت.

گفتنی است، ترجمه علامه مجلسی از عهد نامه مالک اشتر بر اساس نسخه تحف العقول صورت گرفته است.

رساله مال ناصبی:

این رساله را می توان یکی از آثار سیاسی علامه مجلسی به حساب آورد. رساله مزبور، درباره جایگاه و احکام یکی از اقلیت های مذهبی ((یعنی نواصب)) در فقه سیاسی شیعه سخن می گوید. مولف در این نوشته، حکم مال ناصبی ((جواز اخذ و تصرف و یا اتلاف آن)) و نیز حکم شرعی ((جواز)) قتل ناصبی را بیان کرده است. مجلسی در این رساله، سه روایت را درباره حلیت مال و خون ناصبی آورده است. مفاد این سه حدیث، حلال بودن مال ناصبی برای شیعیان بعد از پرداختن خمس آن و نیز جواز قتل ناصبی است؛ لکن امام(ع)، شیعیان را از کشتن ناصبی به خاطر خوف از گرفتار شدن شیعیان به قصاص، نهی کرده است و در روایت دیگری در این رساله نقل کرده، امر قتل آنها را به امام ارجاع داده است.

در این رساله، تنها این سه حدیث با عنوان رساله منطبق است و بقیه احادیثی که مولف آورده است، برخی از آنها درباره تعریف ناصبی، و بعضی دیگر مربوط به مذمت و عقاب اخروی ناصبی است و تعدادی دیگر، مربوط به عناوینی از قبیل مشرک، زندیق و کافر بودن ناصبی می باشد. رساله فوق در مجموعه بیست و پنج رساله فارسی در صفحات 381.373 آمده است.

رساله صواعق الیهود:

این رساله درباره آداب و احکام جزیه است. مولف در مقدمه رساله، اهل کتاب را از دیگر کفار به هدایت نزدیک تر می داند و علت تشریح اخذ جزیه از اهل ذمه را امکان گرایش تدریجی آنها به دین اسلام دانسته و در این خصوص می گوید: ((... و هر گاه شرایط جزیه را در حق ایشان رعایت نمایند و به خواری و مذلت در میان مسلمانان زندگانی کنند، تعصب ایشان را مانع از قبول دین نخواهد گردید و به زودی مقبول دین اسلام خواهند نمود.))

مولف، اهل کتاب را در سه طائفه، یعنی ((یهود، نصارا و زرتشتیان)) منحصر کرده است. اخذ جزیه از سایر کفار را جایز نمی داند. وی سپس در مورد افرادی از اهل ذمه که جزیه به آنها تعلق می گیرد و نیز مقدار جزیه بحث کرده و به دنبال آن، شرایط هفت گانه ذمه را آورده و بعد از آن شرایط شش گانه ای را طرح کرده که در صورت صلاحدید حاکم اسلامی، اهل ذمه ملزم به رعایت آن شرایط می گردند. وی در خاتمه به مواردی از: آداب معاشرت و معامله مسلمانان با اهل ذمه اشاره نموده است. این رساله در مجموعه بیست و پنج رساله فارسی در صفحات 515 . 522 آمده است.

مباحث سیاسی در عین الحیات:

علامه مجلسی در این کتاب، فصلی را با عنوان ((احوال سلاطین عدل وجور))، ((کیفیت معاشرت با سلاطین))، ((حقوق پادشاهان و نیز مفاصد قرب به پادشاهان)) طرح کرده است. وی در آغاز هر بحث، اجمالی از نظر خود را که همان مفاد روایات است بازگو نموده، سپس احادیث مربوط به هر عنوان را مستقلاً به طور جداگانه ذکر کرده است.

وی در آغاز این فصل با اشاره به اهمیت عدل و جور و صلاح و فساد سلاطین و امرا و آثار اعمال آنها می گوید: ((بدان که عدل ملوک و امرا از اعظم مصالح ناس است و عدل و صلاح ایشان، موجب صلاح جمیع عباد و معموری بلاد است. و فسق و فجور ایشان، مورث اختلال نظام امور اکثر عالمیان و میل اکثر ناس به طور ((یعنی رویه و رفتار)) ایشان می گردد)) (6) و بعد از این مقدمه، این حدیث معروف و مشهور را نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود: ((دو صنف اند از امت من، اگر ایشان صالح و شایسته اند، امت نیز صالحند و اگر ایشان فاسدند، امت من نیز فاسدند. صحابه پرسید: کیستند ایشان یا رسول الله؟ فرمود: فقها و امرا (7)) و بعد از آن، احادیثی را درباره مذمت جور سلاطین و آثار آن در دنیا و عقاب سلطان جائر در آخرت نقل می کند.

مولف در بخش دیگر این فصل، بحثی را تحت عنوان چگونگی معاشرت حکام با رعایا و همچنین حقوقی که مردم بر حاکمان دارند طرح می کند. وی در این فصل نیز سراغ احادیث می رود و

روایاتی را درباره توصیه سلاطین به لزوم رعایت حقوق مردم و عدالت اجتماعی ذکر می کند. و کسانی را که خواستار آگاهی بیشتر از آداب امرا و حکام و به عبارت دیگر، وظایف حاکم اسلامی هستند، به نامه های حضرت امیرالمومنین (ع) که به عمال و والیان خود نوشته؛ خصوصاً نامه طولانی آن حضرت به مالک اشتر و همچنین نامه ای که به سهل ابن حنیف و به محمد ابن ابی بکر نوشته اند، ارجاع می دهد.

وی در ادامه، به این قانون و سنت اجتماعی اشاره می کند که:

((اگر پادشاهان در قدرت و استیلا خود شکر کنند و رعایت رعیت و حقوق ایشان بکنند، ملك ایشان پاینده می ماند، والا به زودی زایل می گردد؛ چنان چه گفته اند که ملك با کفر باقی می ماند و با ظلم باقی نمی ماند.)) (8)

علامه مجلسی در دنباله این فصل، از حقوق پادشاهان بر مردم و به عبارت دیگر وظایف مردم در قبال حاکم اسلامی سخن می گوید که مردم ملزم به رعایت آن حقوق هستند، البته ایشان این حقوق را مختص پادشاهانی می داند که ((بر دین حق باشند)) و در برابر خدماتی که پادشاه به مردم می کند از قبیل دفع دشمنان دین از ایشان و حفظ دین و مال و عرض، آنها نیز متقابلاً موظفند که حقوق پادشاه را رعایت کنند.

از جمله حقوقی که پادشاه بر عهده مردم دارد عبارت است از: دعا کردن برای صلاح پادشاه، بزرگداشت و تعظیم پادشاه عادل، و اگر عادل نباشد دعا نمایند برای صلاح ایشان و یا خود را اصلاح نمایند تا خدا ایشان را به صلاح آورد. و نیز تقیه از پادشاه جابر و ظالم و خود را از ضرر و قهر او حفظ کردن را واجب می داند. و در ضمن نقل احادیث متعدد که دلالت بر لزوم رعایت حقوق پادشاه توسط مردم دارد، حدیثی را از پیامبر (ص) ذکر می کند که بین صلاح امت و برخورداری آنها از پادشاه عادل و نیز میان ابتلا جامع فاسد به پادشاه ظالم رابطه علی و معلولی وجود دارد.

نکته قابل تأمل آن که، علامه مجلسی مردم را از شورش و آشوب و مخالفت علیه پادشاه جابر و ظالم بر حذر می دارد و می گوید؛ وظیفه مردم در چنین شرائطی، عمل به تقیه، صبر، اطاعت و دعا برای اصلاح پادشاه ظالم است. او با آوردن حدیثی، مخالفت با پادشاه را موجب وقوع در مهلکه می داند. علامه مجلسی در بحث بیان مفاسد قرب به پادشاهان، ضمن مذمت این عمل و نهی از اعانت ظالمان و راضی بودن به ظلم ایشان و مدح آنها، مفاسد قرب به پادشاهان را در هشت مورد خلاصه کرده است:

1) اعانت و مشارکت در ظلم ظالم، 2) محبت و دوستی ظالم؛ 3) رضایت به ظلم ظالم؛ 4) سرایت اعمال قبیح و گناهان پادشاهان و امرا به مقربان آنها؛ 5) نفاق از راه مدح قبیح اعمال پادشاهان در حضور آنها؛ 6) ترك نهی از منکر 7) محبت بقای ظالم؛ 8) مبتلا شدن به موارد شبهه و حرام. مولف بعد از این مقدمه، احادیث مربوطه را آورده است.

مطلب بعدی که ایشان ذکر کرده است، مربوط به علل و اسباب جواز و حتی وجوب همکاری و تعامل با حکام است.

مجلسی در این باره می گوید: ((بدان که گاه هست که معاشرت با حکام و امرا و تردد به خانه های ایشان، واجب می شود به سببی چند)) و در ادامه بحث سه مورد از این اسباب را بدین ترتیب نقل می

کند:

1) تقيه، در صورت خوف ضرر نفس یا مال یا عرض برای دفع آن ضرر و در این باب، استناد می‌کند به سیره ائمه معصومین (ع) که با خلفای عباسی مدارا می‌کردند؛ 2) دفع ضرر و ظلم از مظلوم یا جلب نفع برای مومن؛ 3) هدایت حکام، اگر قابل باشند به نزد ایشان می‌رود که شاید یکی از ایشان را هدایت نماید. بالاخره علامه مجلسی در این باره، به ذکر این سه مورد بسنده می‌کند و در پایان، از تبعیت و پیروی هواهای نفسانی در توجیه تقرب به پادشاهان هشدار می‌دهد. مطالب فوق در عین الحیوه در صفحات 364 تا 378 آمده است.

مولف در فصل دیگری از کتاب عین الحیوه به بحث پیرامون مذمت دنیا و دنیاطلبی پرداخته و تمثیلات ده گانه ای را در روشن ساختن موضوع ذکر کرده است. تمثیل دهم، مشتمل بر داستان بلوهر و یوزاسف است. مولف حکایت فوق را از کتاب کمال الدین و اتمام النعمه ابن بابویه نقل کرده است. توضیح مختصر درباره این داستان این که: یوزاسف فرزند پادشاه جبار، ظالم، بت پرست و مخالف دین و اهل دیانت هندوستان بود. و سعی این پادشاه بر آن بود، که فرزند خود را نیز مانند خود پرورش و تربیت کند تا سیاست وی را در مبارزه با آئین های الهی، موحدان و دین داران جامعه ادامه دهد. لذا او را از محیطهای دینی و علمای دینی دور کرد و در شهری او را محبوس نمود تا با موحدان تماس نداشته باشد. لیکن یوزاسف با فراست و زیرکی که داشت، قصد پدر را دریافت و علی رغم خواست پدر، به کسب شناخت و معرفت در مسائل دینی پرداخت. و چون آوازه و شهرت یوزاسف در عالم منتشر شد و به گوش بلوهر حکیم سر اندیب رسید، وی روانه سرزمین هندوستان شد تا این شاهزاده را با تعالیم دینی و اخلاقی آشنا سازد و در گفت و گوهایی که بین بلوهر و یوزاسف صورت گرفت این شاهزاده دین توحید را پذیرفت و با مواعظ نصایح تمثیل هایی که این حکیم بر وی ارائه کرد، بالاخره دست از سلطنت شسته و به عنوان عالم دینی به ارشاد و هدایت و دعوت مردم به یگانه پرستی، مشغول گردید.

این حکایت ضمن اشمال بر مواعظ و پند و اندرزهای اخلاقی، حاوی نمونه هایی از سیره پسندیده و رفتار عادلانه برخی از پادشاهان و نیز توبه و تحول روحی بعضی از پادشاهان ظالم و تغییر و تبدیل آنها به پادشاهان عادل و دادگر می باشد. ذکر چهار مورد از سرگذشت پادشاهان گذشته، به اضافه اصل داستان که شخصیت های محوری آن پادشاه هند و فرزندش و نیز حکیم بلوهر است. از جمله قرائنی است براین که انگیزه مولف از ترجمه و نقل این حکایت در این کتاب، نصیحت ملوک و حکام و ارشاد و هدایت غیر مستقیم پادشاهان و امرای معاصر خود بوده است.

معنای ضمنی و التزامی حکایت فوق، بیان گر این مطلب است که سیاست و حکومت بر جامعه بشری باید در دست حاکم حکیم یا حکیمان حاکم باشد، و در صورت انفکاک این دو از یکدیگر، اداره جامعه باید به دست حاکمی سپرده شود که در کنار او، وزیری دانا و حکیم، مشاور و راهنمای او باشد. آنچه مطلوب جامعه بشری بویژه جامعه اسلامی به عنوان مدینه فاضله است، این است که جامعه باید توسط حاکم دانشمند و خردمند، تدبیر و اداره گردد، البته مراد از حکمت در دیدگاه متشرعین و محدثین امامیه، دانشی است که بر اساس آموزه های شریعت و برگرفته از قرآن و سنت و تعلیمات ائمه (ع) که حکیمان واقعی این امت هستند، باشد. در هر صورت می توان این اصل و قاعده

عقلی و عقلایی را یعنی؛ ((تقدیم انسان کامل در علم و دیگر فضائل انسانی بر دیگران و به عبارتی تقدیم افضل بر فاضل و اعلم بر عالم)) که از سوی پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) تأسیس گردیده است در راستای تحقق این اندیشه ایده آل بشری در نیل به مدینه فاضله دانست.

مباحث سیاسی در حق الیقین:

کتاب حق الیقین، آخرین تصنیف علامه مجلسی است که به سال 1109 هـ ق آن را به پایان برده است. این اثر درباره اصول دین نگاشته شده و مصنف با استناد به آیات و اخبار و ادله عقلی به اثبات توحید، نبوت، امامت و معاد پرداخته و بیشترین حجم آن را مبحث امامت به خود اختصاص داده که عمدتاً راجع به تاریخ سیاسی و اندیشه سیاسی شیعه در زمان حضور است.

علامه مجلسی در بحث امامت، در تعریف امام می گوید: ((امام، کسی است که مقتدا و پیشوای امت باشد در جمیع امور دنیا و دین به نحوی که پیامبر (ص) می کرد، به نیابت و جانشینی نه بر سبیل استقلال)) (9) وی سپس با استناد به اتفاق فرقه امامیه، نصب امام را بر خداوند عقلا و نقلا واجب می داند و ادله عقلی و نقلی آن را ذکر می کند و ضمن اشاره به صفات و شرائط امام که از نظر وی، همان افضل بودن امام در جمیع جهات، و عصمت و هاشمی بودن است، گفتار مفصلی را درباره راههای شناخت امام، اثبات امامت علی (ع) و سایر ائمه (ع) و وجود امام زمان (عج) و غیبت آن حضرت ارائه می دهد.

مجلسی در اثبات و بیان رجعت؛ ((یعنی فرجام سیاسی جامعه بشری از دیدگاه شیعه)) می نویسد: ((از جمله اجماع شیعه؛ بلکه ضروریات مذهب فرقه محقه، حقیقت رجعت است؛ یعنی پیش از قیامت در زمان حضرت قائم (عج) جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد به دنیا برمی گرداند؛ نیکان برای آن که به دیدن دولت ائمه خود، دیده های ایشان روشن گردد... و بدان بسیار بد، از برای عقوبت و عذاب دنیا [و] مشاهده تضعیف آن دولتی که نمی خواستند به اهل بیت رسالت برسند و انتقام کشیدن شیعیان از ایشان...)) (10)

نکته قابل توجه و تأمل در مورد این اثر، آن است که علامه مجلسی با وجود این که بحث امامت را در این کتاب به تفصیل مورد بحث قرار داده و وجود امام دوازدهم و غیبت آن حضرت را اثبات کرده، لیکن به مسأله رهبری سیاسی جامعه و اداره امور دنیوی مردم در زمان غیبت و فترت تا زمان ظهور و نیز به وظایف شیعیان در این دوران طولانی متعرض نشده است.

یکی از منابع سیاسی مورد استناد در تبیین و توضیح مبانی اندیشه سیاسی علامه مجلسی که به عنوان مدرک و مستند عملکرد سیاسی وی نیز می تواند مورد استفاده قرار بگیرد، خطبه ای است که هنگام جلوس شاه سلطان حسین صفوی بر تخت سلطنت در مراسم تاج گذاری او، انشأ و ایراد نموده است.

نکات و مطالبی که در این خطبه آمده، موضع و دیدگاه مجلسی را درباره حکومت در عصر غیبت و مشروعیت حکومت صفویه، به خوبی روشن می سازد. (11)

دیباچه های کتب فارسی علامه مجلسی:

مورد دیگری که می توان به دیدگاه های سیاسی علامه مجلسی درباره حکومت و سلاطین صفویه

دست یافت، مقدمه هایی است که در دیباچه برخی از کتب خود نگاشته است؛ مانند: مقدمه کتاب حق الیقین، زاد المعاد و حیات القلوب ج (1) و... وی در مقدمه این کتب، بعد از بیان هدف از تألیف آنها که عبارت از ترجمه اخبار معصومین(ع) برای استفاده فارسی زبانان است، دیدگاهش را نسبت به حکومت و سلاطین صفویه، انتساب این سلسله به خاندان اهل بیت(ع) و نیز نظر مثبت خود را راجع به عادل بودن سلاطین صفوی معاصر خود ابراز داشته است، از این نکات و اشارات می توان به علل و انگیزه های همکاری ایشان با سلاطین صفوی، در قالب پذیرش منصب شیخ الاسلامی، امامت جمعه و قضاوت پی برده و آنها را تبیین نمود.

طرح مباحث سیاسی در بحارالانوار:

بحارالانوار، بزرگترین مجموعه حدیثی شیعه و به عبارت دیگر، دائرة المعارف شیعه است، طبعا این اثر مشتمل بر بسیاری از مباحث و مسائل سیاسی است؛ مباحثی که در قالب عناوین کلی از قبیل: تاریخ سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی و در شکل کلی تر، در قالب و چارچوب اندیشه سیاسی شیعه مطرح شده است.

البته روشن است که مولف مباحث سیاسی را در این کتاب به صورت منسجم و مستقل و مستدل مورد بحث و بررسی قرار نداده است؛ بلکه مولف - با توجه به مسلک اخباری وی - در ضمن ابوابی که مطرح ساخته، احادیثی را که دارای مضامین سیاسی بوده، به تناسب آن باب آورده است؛ ولی نه از نگاه سیاسی؛ بلکه از زاویه همخوانی آنها با عنوان باب.

به عنوان مثال، وی وظایف حاکم اسلامی و ظایف مردم در قبال حاکم را در این کتاب به صورت مستقل مورد بحث قرار نداده است؛ این مباحث را بلکه مانند بسیاری از مقوله های سیاسی دیگر از قبیل: بیعت، شورا، امور حسبه، ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر و... به طور پراکنده در ابواب مختلف مطرح ساخته است. لذا پژوهش گر اندیشه سیاسی این محدث، برای بازیابی و بازشناسی مفاهیم سیاسی، باید در سراسر این مجموعه به مطالعه و جست و جو بپردازد تا به آرا و نظرات سیاسی علامه مجلسی و نیز چشم انداز کلی از اندیشه سیاسی شیعه از دیدگاه، احادیث دست یابد.

البته این مقصود به مقدار زیادی با مراجعه به فهرست جامعی که از مباحث سیاسی بحارالانوار تهیه و گردآوری شده است، عملا تحقق یافته و محقق را از مطالعه مجدد این مجموعه بی نیاز می سازد. با مراجعه به این فهرست تفصیلی، به دهها موضوع اصلی و فرعی که در ضمن احادیث، و یا نقل قول دانشمندان اسلامی و یا نظر مولف که در ذیل احادیث با عنوان بیان و توضیح آمده است، می توان دست یافت. و با تهیه فهرست موضوعی برای این فهرست که به ترتیب مجلدات بحارالانوار فراهم گشته است، یافتن احادیث هم مضمون؛ بسیار آسان تر خواهد شد. به نظر می رسد که این فهرست تا حدی ما را از کتاب شناسی سیاسی بحارالانوار بی نیاز ساخته باشد. فهرست فوق در بیش از دویست صفحه و قریب به پنج هزار فیش از سوی نگارنده در واحد اندیشه سیاسی گرد آوری و تدوین شده است.

لازم به یادآوری است که این فهرست در دو قسمت ارائه گردیده است؛ قسمت اول، مربوط به فیش هایی است که با کد ((1)) مشخص گردیده و بیان گر نظرات سیاسی علامه مجلسی است.

و قسمت دوم، فیش های با کد ((2)) می باشد که مختص آن دسته از مطالب و موضوعات سیاسی است که در احادیث بحارالانوار آمده و یا نقل قول دیگر دانشمندان اسلامی است؛ لیکن مولف در ذیل آنها توضیح و بیانی ندارد.

در تدوین اندیشه سیاسی علامه مجلسی که اکنون در دست انجام است و انشاءالله در آینده نزدیک به اتمام خواهد رسید، در کنار استفاده از سایر کتب و رسائل ایشان، فقط بخش نخست فیش های بحارالانوار مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. در مجموعه حاضر نیز تنها بخش اول فیش های بحارالانوار ارائه شده است.

لازم به یاد آوری است فیشهای بخش نخست، ((باکد (1))) در هفتاد و چهار صفحه آماده گردیده که به عنوان نمونه، فیش های جلد 70 بحارالانوار ضمیمه مقاله حاضر می باشد.

(ر صورت نیاز به جدول نخست فیش های بحارالانوار به اصل مجله مراجعه فرمایید.)

فهرست منابع

- 1- علامه مجلسی محمد باقر: بحارالانوار، مجلدات مختلف آن، بیروت، انتشارات موسسه وفاء.
- 2- علامه مجلسی، محمد باقر: حق الیقین، چاپ دوم، انتشارات رشیدی، 1363، ه' ش.
- 3- علامه مجلسی، محمد باقر: عین الحیات، چاپ دوم، انتشارات رشیدی، 1363، ه' ش.
- 4- علامه مجلسی، محمد باقر: بیست و پنج رساله فارسی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی. 1412ق.
- 5- علامه مجلسی، محمد باقر: دستور شهریاران، محمد ابراهیم نصیری، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، 1373، ش.
- 6- علامه مجلسی، محمد باقر: حیات القلوب، جلد اول.
- 7- علامه مجلسی، محمد باقر: زاد المعاد.
- 8- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، چاپ دوم، 1351، ه' ش.

- 1- مقاله فوق بخشی از مجموعه ای است که در واحد اندیشه سیاسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در حال تدوین می باشد که بزودی مجموعه کامل آن به چاپ خواهد رسید.
- 2- در عهد صفوی، چهارتن از عالمان شیعی، چهار اثر حدیثی سترگ به وجود آوردند، که به کتب اربعه متاخره شهرت یافت که به ترتیب عبارتند از:
 - 1- جوامع الکلم، از سید میرزا محمدابن شرف الدین علی ابن نعمه الله جزائری.
 - 2- کتاب وافی، از ملامحسن فیض کاشانی، ((متوفی 1091 ه' ق.))
 - 3- وسائل الشیعه، از شیخ محمد حسن حر عاملی، ((متوفی 1104 ه' ق.))
 - 4- بحارالانوار، از ملا محمد باقر مجلسی، ((متوفی 1110 ه' ق.))
- 3- محقق نائینی در کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله))، درباره اهمیت عهدنامه مالک می نویسد: ((استاد علامه ما، آیه الله العظمی میرزای شیرازی، این عهد را سر مشق خود قرار داده، و بر عمل به آن مواظبت می فرمود. و تمام مراجع امور شرعی و سیاسی، به تناسب کارشان به آن توجه می کردند. اروپائیان بارها آن را ترجمه و در استنباط قوانین خویش از آن سود می بردند))
- 4- بیست رساله فارسی، ص 104.
- 5- علامه مجلسی در بحارالانوار، عهدنامه مالک اشتر را در دو مورد نقل کرده است، نخست، در جلد 33 بحار صص 599 - 638 از نهج البلاغه سید رضی آورده و لغات آن را شرح کرده است و مورد دوم، در کتاب روضه
- 6- عین الحیوه، ص 364.
- 7- همان.
- 8- عین الحیوه، ص 367.
- 9- حق الیقین، ص 27.

- 10- همان, ص 248.
- 11- دستور شهریاران, صص 21 - 24.